مقالهٔ علمی-پژوهشی

بررسی دریافت ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران

حسین بحری*

چکیده

ترجمهٔ فارسی کتاب جیمز موریه، *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی*، از شاهکارهای ادب فارسی است. میرزا حبیب اصفهانی این ترجمه را از روی ترجمهٔ فرانسوی کتاب به فارسی برگردانده است. این واقعیت که اثری ترجمه‌شده، آن هم ازطریق ترجمه‌ای میانجی، بتواند با چنان استقبالی در میان خوانندگان یک زبان مواجه شود، کم‌سابقه و استثنایی است. از زمان انتشار این اثر، پژوهشگران زبان و ادبیات، ترجمه و دیگر رشته‌های علوم انسانی جنبه‌های مختلف آن را مطالعه کرده‌اند. بااین‌حال، تاکنون پژوهشی که با رویکردی تاریخی به مطالعهٔ دریافت مخاطب فارسی‌زبان از این ترجمه بپردازد صورت نگرفته است. در این مقاله، پژوهشگر براساس مفهوم «افق انتظار» یاوس و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش کرده تا با مرور آثار و بررسی متون موجود به ابعاد مختلف دریافت مخاطب فارسی‌زبان از این ترجمه در قبل و بعد از انقلاب اسلامی دست یابد. برای این منظور، از میان نقدها و پژوهش‌های موجود درباب این اثر، که شامل حدود ۵۰ مقاله و کتاب فارسی منتشرشده از سال ۱۳۲۱ تابه‌حال است، ۱۰ اثر شاخص و مرتبط (۵ اثر منتشرشده قبل و ۵ اثر بعد از انقلاب اسلامی) گزینش شد و با روش تحلیل محتوای کیفی، انتظارات درون آنها هدف بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس، ابعاد مختلف دریافت‌هایی که از ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* در این آثار طرح و بحث شده، استخراج و مقایسه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* طی هردو بازهٔ زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، ذائقهٔ ادبی خوانندگان، ازجمله ادیبان، منتقدان و پژوهشگران، را جلب کرده و با گذشت زمان، همچنان مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته که مایهٔ ماندگاری و محبوبیت این اثر شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریهٔ دریافت، افق انتظار، نقد ادبی، ترجمه، میرزا حبیب اصفهانی.

* استادیار زبان‌های خارجی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، hbahri@khu.ac.ir

CC BY NC

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۷

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شمارهٔ ۹۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۵-۳۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

A Study of the Reception of the Persian Translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* Before and After the Islamic Revolution in Iran

Hossein Bahri*

Abstract

The Persian translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* by James Morier is undoubtedly one of the masterpieces of Persian literature. Mirza Habib Esfahani translated this work into Persian from the French translation of the book. The fact that a translated work, through an intermediary translation, can meet such a reception by the readers in the literature of a language is considered one of the rare and exceptional cases. Since the publication of this work, researchers of language and literature, translation, and other fields of humanities have studied its various aspects. However, so far, no research has studied the reception of this translation by Persian readers from a historical perspective. In this article, based on Jauss's concept of "Horizon of Expectations" and using the descriptive-analytical method, the researcher has tried to investigate various aspects of the reception of this translation by the Persian readers before and after the Islamic Revolution through reviewing the works and examining the existing texts. To do so, from among the studies available on this work, which comprised about 50 Persian articles and books published since 1942, ten significant works (5 published before and 5 after the Islamic Revolution) were selected, and the expectations within them were examined and analyzed using the qualitative content analysis method. Next, the various themes of the Persian translation receptions discussed in these ten works were extracted and compared. The findings of the study indicated that during both periods, the Persian translation of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* was of interest to the literary taste and in line with the expectations of the readers, including those of writers, critics, and researchers. It continues to be widely received by the readers, which has made this work enduring and popular.

Keywords: Reception Theory, Horizon of Expectations, Literary Criticism, Translation, Mirza Habib Esfahani.

* Assistant Professor of Department of Foreign Languages, Kharazmi University, Tehran, Iran, *hbahri@khu.ac.ir*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

۱. مقدمه

جیمز جاستینین موریر[۱] (در متون فارسی و در این مقاله: جیمز موریه) (۱۷۸۲-۱۸۴۹) نویسنده، وقایع‌نگار و مأمور سیاسی انگلستان در ایران دورهٔ فتحعلی‌شاه قاجار، در سال ۱۸۲۴ میلادی، رمان *ماجراهای حاجی‌بابای اصفهانی*[۲] را براساس خاطرات حدود شش‌سال (۱۸۰۸-۱۸۰۹ و ۱۸۱۰-۱۸۱۴) مأموریت سیاسی‌اش در ایران به زبان انگلیسی به رشتهٔ تحریر درآورد. موریه این رمان را در قالب رندنامه[۳] که نوع ادبی[۴] پرطرفداری در اروپای آن روزگار بود و با الگوبرداری از *سرگذشت ژیل بِلاس*[۵] اثر آلن رنه لوساژ[۶] فرانسوی نوشت که پیشتر و در سال ۱۷۴۹ به انگلیسی ترجمه شده بود. موریه همچنین در سال ۱۸۳۲ رمان *سهراب* (دربارهٔ بخشی از وقایع سلطنت آغامحمدخان قاجار) و در سال ۱۸۳۴ رمان *عایشه دختری از قارص* (دربارهٔ برخی وقایع سفر به مرز ایران و عثمانی در آسیای صغیر) را به انگلیسی نوشت؛ بااین‌حال، رمان *حاجی‌بابا* با استقبال فراوان علاقه‌مندان و شرق‌شناسان مواجه شد و مایهٔ شهرت او شد. در همان سال انتشار (۱۸۲۴)، *حاجی‌بابا* به دو زبان فرانسوی و آلمانی ترجمه شد و تا سال‌ها به‌مثابهٔ منبع اصلی آشنایی با فرهنگ و رسوم ایرانی به مأموران سیاسی و شرق‌شناسان توصیه می‌شد (Amanat, 2003).

بیش از شش‌دهه بعد از انتشار رمان *حاجی‌بابا* به زبان انگلیسی و سال‌ها پس از مرگ نویسنده، میرزا حبیب اصفهانی، که ادیب، زبان‌شناس، مترجم و ناراضی سیاسی ایرانی ساکن عثمانی بود، احتمالاً در سال ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ خورشیدی)، کتاب را از روی ترجمهٔ فرانسوی به زبان فارسی برگرداند، اما به‌دلیل سیاست سانسور دولت عثمانی موفق به چاپ آن نشد. او احتمالاً در سال ۱۲۷۲ بر اثر بیماری درگذشته است. چندسال بعد از فوت میرزاحبیب، یک نسخهٔ دستنویس از ترجمهٔ فارسی او در میان وسیله‌های بازمانده از دوستش، شیخ احمد روحی کرمانی، که به ظن شراکت در ترور ناصرالدین‌شاه در تبریز اعدام شده بود، به‌دست کنسول سابق بریتانیا در کرمان رسید و او تصور کرد که روحی مترجم این اثر است. او این ترجمه را در سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۲۸۴) به هند برد و در شهر کلکته برای آموزش زبان فارسی به دانشجویان در هند و انگلستان و با عنوان ترجمهٔ روحی منتشر کرد. سال‌ها بعد، در سال ۱۳۳۹، و با تلاش‌های جمالزاده و مینوی، مشخص شد که مترجم واقعی این اثر میرزاحبیب اصفهانی است. در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳)، روزنامه‌نگار مشهور دورهٔ مشروطه،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

جلال‌الدین مؤیدالاسلام، ناشر روزنامهٔ *حبل‌المتین*، چاپ دیگری از این اثر را در کلکته منتشر کرد. در آن دوره، افراد کمی در ایران به ترجمهٔ فارسی کتاب دسترسی داشتند. عباس امانت (۲۰۰۳) معتقد است نسخه‌های خطی ترجمهٔ میرزاحبیب، حتی پیش از چاپ آن، در دسترس خوانندهٔ فارسی‌زبان بوده است. اگرچه سال‌ها طول کشید تا پس از رفع محدودیت‌های دورهٔ پهلوی اول، خوانندگان فارسی‌زبان امکان دسترسی گسترده و دریافت متن فارسی آن را پیدا کنند. ظاهراً نخستین چاپ کتاب در تهران در سال ۱۳۳۰ بود. البته، در قرن نوزدهم افراد دیگری ازجمله محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه و شخصی به نام اسماعیل محلاتی ترجمه‌های نیمه‌تمامی از متن داستان *حاجی‌بابا* به فارسی انجام دادند؛ بااین‌حال، ترجمهٔ کامل میرزاحبیب به‌دلایل بسیار یک نمونهٔ آشکار از اثری فاخر در ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود و ادیبان، منتقدان و صاحب‌نظران گوناگونی طی دهه‌های گذشته بر این مدعا صحه گذاشته‌اند و با رویکردهای متفاوت سعی در تبیین چرایی این امر داشته‌اند (آذرنگ، ۱۳۹۵؛ آرین‌پور، ۱۳۵۰؛ بوبانی، ۱۳۸۷؛ بهار، ۱۳۲۱؛ جمالزاده، ۱۳۴۸؛ حدّادیان مقدّم، ۱۳۹۳؛ دهقانیان و جمالی، ۱۳۹۳؛ کریمی حکاک، ۱۳۷۸؛ مینوی، ۱۳۴۶؛ ناطق، ۱۳۵۳). در مقالهٔ حاضر، ضمن مرور پژوهش‌های مرتبط و تحلیل آثار ده پژوهشگر یادشده، با رویکردی تاریخی و نظریه‌محور به بررسی دریافت[۷] (پذیرش) خواننده‌ـمنتقد فارسی‌زبان از ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* براساس مفهوم افق انتظار[۸] هانس روبرت یاوس[۹] می‌پردازیم.

۱.۱. بیان مسئله

ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که به‌گفتهٔ منتقدان، آن را در ادبیات فارسی خواندنی و مطلوبِ مخاطب می‌سازد. به‌طورکلی، آثار ادبی تأثیرات متفاوتی بر مخاطب می‌گذارند؛ درحالی‌که برخی آثار انتظارات خواننده را برآورده می‌کنند، برخی دیگر ممکن است انتظارات او را به چالش بکشند یا حتی خواننده را ناامید کنند. هانس روبرت یاوس (1982: 24) از اصطلاح «افق انتظارِ» زیبایی‌شناسی برای اشاره به انتظارات کلی استفاده می‌کند که خوانندگان هر متن از سبک، صورت، محتوا و... مربوط به نوع ادبی آن متن دارند. همچنین، حاتم و ماندی (2004: 347) دریافتِ هر ترجمه را برابر با واکنشی می‌دانند که آن اثر از خوانندگانش در زبان مقصد دریافت می‌کند؛ برای مثال، مقالات مروری منتشرشده دربارهٔ ترجمهٔ آن اثر را نمونه‌ای از دریافت آن در فرهنگ مقصد می‌دانند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

یکی از روش‌هایی که می‌توان انتظارات خوانندگان را به‌خوبی بررسی کرد و درباب اثر به خوانندگان و مخاطبان آگاهی بخشید و ازطریق آن به ارائهٔ نقد و مباحثه و استدلال پرداخت، مطالعهٔ مقالاتی است که دربارهٔ آن اثر نوشته شده است؛ چه به‌لحاظ ارزیابی و انعکاس نظر خوانندگان، چه ازنظر اطلاع‌رسانی به مخاطبان دیگر و چه به‌لحاظ ایجاد انگیزه در دیگران برای مطالعهٔ اثر یا خرید آن (Munday, 2016: 241). براون معتقد است که برای آگاهی از چگونگی دریافت هر متن، باید به بررسی مقالاتی که دربارهٔ آن اثر نوشته شده پرداخت؛ زیرا مقالات انبوهی از واکنش‌ها را به نویسنده و متن نمایش می‌دهند (Brown, 1994: 7). ازسوی‌دیگر، ملکشاهی و خزاعی‌فرید (۱۳۹۶: ۲۱) انواع خوانندهٔ (دریافت‌کنندهٔ) اثر را شامل مترجمان، منتقدان، پژوهشگران، نویسندگان بومی، خوانندگان عام، و تاریخ‌نگاران می‌دانند.

به‌رغم اهمیتی که مقالات دارند و با وجود اینکه در مرور پژوهش‌های مرتبط با یک موضوع خاص، اغلب به تعدادی از آنها اشاره می‌شود، تاکنون در حوزهٔ دریافت متن و به‌خصوص با رویکردی تاریخی و نظریه‌محور به دریافت ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* در میان مخاطبان فارسی‌زبان پژوهشی صورت نگرفته است. این مسئله ازآنجا حائز اهمیت است که ترجمه‌ها، به‌خصوص وقتی که نه از زبان اصلی بلکه از روی ترجمه‌ای میانجی صورت می‌گیرند، به‌لحاظ کیفی و انتقال محتوا و پیام دچار تنزل می‌شوند. آثار ادبی فاخر در هر زبان معمولاً مربوط به نویسندگان یا شاعران طراز اول همان زبان هستند و به‌ندرت ممکن است اثری ترجمه‌شده بتواند در مجموعهٔ آثار ادبی برجسته و تأثیرگذار آن زبان قرار گیرد و بحث‌های گسترده‌ای را در حوزهٔ زیبایی‌شناسی دریافت متن ایجاد کند؛ بنابراین، بررسی دلایل استقبال خوانندگان و چگونگی دریافت متن فارسی ترجمهٔ رمان *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* قبل و بعد از انقلاب اسلامی هدف اصلی پژوهش حاضر است.

۱. ۲. پرسش‌های پژوهش

سه پرسش اساسی درباب چگونگی دریافت متن ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* در میان گروه خاص مخاطبان فارسی‌زبان مطرح است:

الف) آیا انتظارات نویسندگان آثار مرتبط با ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* (به‌منزلهٔ گروهی از خوانندگان داستان) قبل و بعد از انقلاب اسلامی از این متن برآورده شده؟ به چالش کشیده شده؟ یا برآورده نشده است؟

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

ب) با فرض دریافت خوب و برآوردهشدن انتظارات، دلایل یا مضامین مصداقی استقبال خوانندگان از ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* قبل و بعد از انقلاب اسلامی کدام است؟

۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین دریافت‌های خوانندگان موردنظر قبل و بعد از انقلاب اسلامی وجود دارد؟

۱. ۳. مبانی نظری

در این بخش، با تعریف مفاهیم و اصطلاحات به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش، به‌طور خلاصه به مبانی نظری اشاره می‌شود.

۱. ۳. ۱. رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور

رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور،[۱۰] همچون دیگر رویکردهای نقد ادبی، چندوجهی است و نظریه‌های یکسان و واحد ندارد. در تمام نظریاتی که خود را مبتنی بر پاسخ یا محوریت خواننده یا مخاطب می‌دانند، توجه به خواننده مشترک است. این رویکرد مبتنی بر جنبش‌های ساختارگرایی،[۱۱] نقد ذهنی،[۱۲] و پدیدارشناسی[۱۳] است. در نقد ادبی خواننده‌محوری که مبتنی بر ساختارگرایی است، تحلیل متن فعالیتی علمی است که طرفداران آن، چون جرالد پرینس[۱۴] و جاناتان کالر،[۱۵] به‌دنبال رموز و نشانه‌هایی در متن هستند که به آن معنی می‌بخشد. آنان بر این باورند که خواننده نظام پیچیده‌ای را، شامل رموز و نشانه‌هایی که از قبل برایش مشخص و معین هستند، به‌کار می‌گیرد تا معنای متن را دریابد. جرالد پرینس نوعی از ساختارگرایی را گسترش داد که مشهور به روایت‌شناسی است. او تأکید دارد که بهتر است منتقد ادبی به‌جای پرداختن به زاویه دید و شیوهٔ حکایت داستان و شخصیت‌های هر روایت، به مخاطب راوی بپردازد که معمولاً نه فقط خوانندهٔ متن است، بلکه می‌تواند یک جنسیت، نسل، نژاد یا طبقهٔ اجتماعی باشد. در روایت‌شناسی، تعیین مخاطب تاحدزیادی به متن و شیوهٔ تحلیل آن بستگی دارد؛ بااین‌حال، توجه به خواننده سبب می‌شود تا آن را نوعی از نقد ادبی خواننده‌محور بدانیم. ازسوی‌دیگر، جاناتان کالر معتقد است اگر خوانندگان فرصت داشته باشند، می‌توانند معنای هر متن عجیب‌وغریبی را به‌شکلی دریابند؛ زیرا توانش ادبی دارند. او با این تلقی، تاحدودی از پرینس و دیگر ساختارگرایان فاصله می‌گیرد. به باور کالر، خوانندگان بر اثر تجربهٔ مواجهه با متون، قوانینی را ملکهٔ ذهن خود کرده‌اند که بر نحوهٔ تفسیرشان حاکم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

شده و باید بر این عمل تفسیر آنان تمرکز کرد. درنتیجه، کالر نظریهٔ خواندن را مطرح می‌کند و به توانش ادبی‌ای که خوانندگان برای تفسیر متن به‌کار می‌برند می‌پردازد (Bressler, 2011: 76&104; Dobie, 2015: 138).

دیدگاه دوم مبتنی بر نقد ذهنی (تفسیری) است و بیشترین تأکید را بر نقش افکار، باورها، و تجربیات خواننده در فرآیند تفسیر متن دارد. اگرچه این دیدگاه به‌طورکلی از اصول تفسیر و علم تأویل[۱۶] (به‌معنی نظریهٔ تفسیر) استفاده می‌کند، باید توجه داشت که موضع نقد خواننده‌محور در مقالهٔ حاضر با آرای افرادی چون امیلیو بتی[۱۷] ایتالیایی و اریک دونالد هرش[۱۸] آمریکایی متفاوت است که اظهار می‌کنند خواننده قادر است به تفسیری عینی از معنای تصریح‌شدهٔ نویسنده دست یابد. ازجمله اینکه هرش معتقد است متن همان معنایی را دارد که منظور نویسنده بوده است. برعکس، آنچه در اینجا مطرح است به آرای افرادی چون مارتین‌هایدگر[۱۹] و هانس‌ـگئورگ گادامر[۲۰] آلمانی نزدیک است که جریان فهمیدن هر متن را مستلزم زمان و تاریخ می‌دانند که هم در خوانش آن و هم در تمام جنبه‌های تجربهٔ بشر تداوم دارد. در نتیجه تمام تفاسیر ذهنی هستند و هیچ تفسیر درستی وجود ندارد، بلکه به تعداد افق‌های (دامنهٔ تجربیات) خوانندگان هر متن تفاسیر معتبر موجود است. ازجمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، استنلی فیش،[۲۱] معتقد است خوانندگان، در حین خواندن، متن تولید می‌کنند. او بررسی می‌کند که چگونه طرز قرارگرفتن کلمات در جمله بر دریافت مخاطب تأثیر می‌گذارد؛ یعنی تأثیر سبک بر خواننده چگونه است؛ بااین‌حال، تفسیر را محصول جوامع تفسیری می‌داند که شامل گروه‌هایی از خوانندگان مطلع و زبان‌آشنا می‌شود که مفروضات و شگردهای مشترکی دارند و منکر واکنش فردی است؛ زیرا آن را نتیجهٔ میراث فرهنگی و سنّتی گروه‌ها می‌داند. نتیجه اینکه، هیچ خوانش صحیح جهان‌شمولی از متن نمی‌تواند وجود داشته باشد، اما اعتبار هر خوانش منوط به مفروضات و شگردهای مشترک بین فرد و دیگر اعضای جامعهٔ تفسیری است (Bressler, 2011: 80; Abrams and Harpham, 2015: 179-181).

دیدگاه سوم در نقد ادبی خواننده‌محور مبتنی بر پدیدارشناسی است که به مطالعهٔ ساختار تجربه و ادراک می‌پردازد. پدیده‌ها فقط وقتی معنی دارند که یک ناظر (خواننده، بیننده) وجود آنها را درک کند. به‌عبارت دیگر، اشیاء و مفاهیم فقط وقتی وجود دارند که در ذهن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

هوشیار بشر ثبت شوند. درنتیجه، شعر یا داستان واقعی فقط در ذهن هوشیار خواننده وجود دارد نه به‌شکل چاپ‌شده بر کاغذ (Bressler, 2011: 77; Dobie, 2015: 134). پیامد این استدلال این است که تفسیر متن درنتیجهٔ تعامل یا تبادل بین خواننده و متن ایجاد می‌شود. در چنین بینشی، خواننده به‌جای اینکه منفعل باشد، فعال است و با متن تبادل تجربه دارد. متن نقش یک محرک را بازی می‌کند تا تجربه‌ها، افکار، و نظرهای مختلف خواننده را که در زندگی واقعی و دیگر تجربه‌های خواندنی‌اش یافته، فراخواند؛ بنابراین، تحلیل واقعی هر متن حاصل درنظرگرفتن تجربهٔ خواننده و متن با هم است نه متن به‌تنهایی. تفسیر فقط در بافت متن پدیدار می‌شود؛ یعنی حالتی که خوانندهٔ نقاد در یک «مناظره» یا «گفت‌وگو»، فعالانه درگیر فرآیند خواندن متن می‌شود (Dobie, 2015: 134). از میان نظریه‌پردازان معروف این دیدگاه می‌توان ژرژ پولهٔ بلژیکی،[۲۲] ولفگانگ آیزر[۲۳] و هانس روبرت یاوس آلمانی را نام برد. پوله، از منتقدان متعلق به مکتب ژنو، معتقد است هدف از نقد ادبی، آگاهی و یکی‌دانستن خویش با آگاهی منحصربه‌فرد نویسنده است؛ زیرا در این مکتب، اثر ادبی مانند دنیایی افسانه‌ای است که از دنیای واقعی نویسنده شکل می‌گیرد و حاکی از آگاهی منحصربه‌فرد نویسنده است؛ بنابراین، می‌توان تمام آثار یک نویسنده را یک‌جا بررسی کرد تا به آگاهی او دست یافت. ازسوی‌دیگر، آیزر بر این باور است که هر شیء یا متن تا زمانی که ذهن هوشیار آن را ثبت و ضبط نکند قابل فهم نیست؛ پس، نمی‌توان شیء را از ذهن هوشیار جدا کرد. درنتیجه، وظیفهٔ منتقد ادبی این نیست که خود متن (شیء) را تحلیل و تشریح کند، بلکه باید تأثیر آن بر خواننده را شرح دهد. البته، او دو نوع خواننده را تعریف می‌کند: یکی خوانندهٔ ضمنی که در متن غیرمستقیم به او اشاره شده و بالقوه می‌تواند تأثیر کلی متن را نقد کند. دیگری خوانندهٔ واقعی یا شخصی است که متن را به‌دست می‌گیرد و می‌خواند. خوانندهٔ واقعی دارای هنجارها و تعصبات خاص فردی و فرهنگی است. خوانندهٔ ضمنی بیانگر نیاز به بررسی متن در فرآیند تفسیر است و خوانندهٔ واقعی حاکی از تأیید اعتبار واکنش هر خواننده به متن است. با توجه به رویکرد تاریخی مطالعهٔ حاضر، که نیازمند استفاده از نظریهٔ دریافت و مفهوم افق انتظار یاوس است، در بخش زیر به تشریح دیدگاه یاوس می‌پردازیم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

۱. ۳. ۲. مکتب کنستانس، نظریهٔ دریافت و مفهوم افق انتظار

مکتب کنستانس به رویکردی در نقد ادبی اشاره می‌کند که استادان و دانشجویان دانشگاه کنستانس در آلمان غربی در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ و اوایل دههٔ ۱۹۷۰ گسترش دادند. پیروان مکتب کنستانس به‌جای استفاده از روش‌های سنّتی، که بر ایجاد متن یا بررسی دقیق متن تأکید دارند، به بررسی خواندن و دریافت متن ادبی به‌وسیلهٔ افراد روی آوردند. درواقع، این مکتب نوعی رویکرد نقد ادبی خواننده‌محور مبتنی بر نظریهٔ دریافت است (Holub, 1993: 14).

همان‌طورکه اشاره شد، نظریهٔ دریافت نوعی از نقد ادبی خواننده‌محور است که کاربرد تاریخی دارد. هانس روبرت یاوس، منتقد و نظریه‌پرداز آلمانی، در مقالهٔ خود در سال ۱۹۷۰ با عنوان «تاریخ ادبی در چالش با نظریهٔ ادبی» تأکید کرد که در تفسیر هر متن ادبی باید تاریخ اجتماعی آن را در نظر گرفت؛ یعنی منتقدان باید بررسی کنند که خوانندگان معاصر هر متن چگونه آن را پذیرفته یا دریافت کرده‌اند. یاوس معتقد است خوانندگان هر متن در دوره‌های مختلف تاریخی برای خود معیارهایی جهت قضاوت درباب ابعاد زبانی، ادبی یا زیبایی‌شناسی آن دارند. او با استفاده از مفهوم «افق انتظار» برای اشاره به تمام واژگان و شیوه‌های انتقادی و چگونگی ارزشیابی یک متن در هر دورهٔ تاریخی، معتقد است شیوهٔ ارزشیابی یا افق انتظار هر متن از یک دورهٔ تاریخی به دورهٔ دیگر معمولاً تغییر می‌کند؛ مثلاً، یک اثر خاص یا تمام آثار نویسنده‌ای ممکن است در یک دوره بسیار پرطرفدار و مطلوب خوانندگان باشد، اما در دوره‌ای دیگر تمجید و دریافت خوب آن اثر خاص یا تمام آثار آن نویسنده کاهش یابد. ازآنجاکه هر دورهٔ تاریخی افق انتظار خودش را ایجاد می‌کند، ارزش و تفسیر کلی هر متن هرگز نمی‌تواند ثابت یا همگانی باشد. خوانندگان هر دوره آنچه را که در یک متن باارزش می‌دانند، برای خود تعیین و بدین‌گونه ذائقهٔ زیبایی‌شناسی دورهٔ خود را تثبیت می‌کنند؛ بنابراین، هر متن فقط و فقط یک تفسیر صحیح ندارد؛ زیرا معنی مفروض آن در هر دورهٔ تاریخی متفاوت است و ارزشیابی قطعی و نهایی هر اثر ادبی غیرممکن می‌شود. اگر خوانندگان در دوره‌ای از یک اثر استقبال کنند، با خوانش‌های پیاپی خود در دوره‌های مختلف، حتی اگر با دریافت‌های مختلف باشد، مایهٔ ماندگاری آن می‌شوند. خلاصه اینکه، برای درک معنی هر متن، دریافت خوانندگان معاصر آن و بررسی انتقادی دریافت تاریخی متن در دوره‌های مختلف زمانی، ازجمله منتقدان معاصر متن و نیز آنانی که درحال حاضر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

زندگی می‌کنند، ضروری است (Abrams and Harpham, 2015: 335-336; Bressler, 2011: 78; Dobie, 2015: 134; Jauss, 1970: 14-16).

در «افق انتظار» اهمیت تاریخی اثر، با توجه به کیفیت اثر یا نبوغ نویسندهٔ آن مشخص نمی‌شود، بلکه با زنجیرهٔ دریافت از نسلی به نسل دیگر مشخص می‌شود. ازنظر تاریخ ادبی، یاوس نوعی از تاریخ‌نگاری را تصور می‌کند که نقشی آگاهانه و میانجی بین گذشته و حال ایفا می‌کند. از مورخ دریافت ادبی خواسته می‌شود تا به‌طور مستمر با توجه به تأثیری که آثار معیار ادبی بر رویدادهای جاری دارند یا از آنها تأثیر می‌پذیرند، در آثار معیار تجدیدنظر کند. تفاسیر گذشته بخشی از ماقبل تاریخ تجربهٔ حال شناخته می‌شوند.

ازنظر یاوس، «افق» نظام یا طیفی از انتظارات را نشان می‌دهد که هر فرد از یک متن دارد. آثار مطابق با شکلی از افق انتظار خوانده می‌شوند. وظیفهٔ محقق ادبی «عینیت‌بخشیدن» به این افق است تا بتواند ماهیت هنری اثر را ارزیابی کند. این‌کار زمانی به‌آسانی انجام می‌شود که اثر افق خود را به موضوع آن تبدیل کند، اما حتی آثاری که افق آنها کمتر مشخص است نیز با این روش قابل بررسی است. با مطالعهٔ شرایط تاریخی، اجتماعی و ادبی یک اثر می‌توان افق انتظار احتمالی آن را در یک دورهٔ خاص تاریخی ساخت. پس از تعیین افق انتظار، منتقد می‌تواند با اندازه‌گیری فاصلهٔ بین اثر و افق به تعیین شایستگی هنری اثر بپردازد. برای این‌کار، یاوس اساساً از یک الگوی انحراف‌گرایانه استفاده می‌کند. در این الگو، ارزش زیبایی‌شناختی هر متن به‌منزلهٔ تابعی از انحراف آن از یک هنجار معین دیده می‌شود. اگر انتظارات خواننده صرفاً نقض نشود، متن درجهٔ دوم خواهد بود. اگر از افق عبور کند، نمونهٔ اثر هنری برجسته خواهد بود، اگرچه ممکن است اثری از افق انتظار خوانندهٔ خود بگذرد و درعین‌حال عالی شناخته نشود. این امر ازنظر یاوس هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا اولین تجربهٔ انتظارات مختل‌شده تقریباً همیشه واکنش‌های منفی قوی را برمی‌انگیزد که برای خوانندگان بعدی ناپدید می‌شود. در دورهٔ تاریخی بعد، با تغییر شرایط، افق هم تغییر می‌کند و آن اثر دیگر انتظارات را از بین نمی‌برد. درعوض، ممکن است به‌مثابهٔ اثر کلاسیک شناخته شود؛ یعنی اثری که به ایجاد افق جدیدی از انتظار کمک کرده است (Holub, 1993: 15).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

۱. ٤. پیشینهٔ پژوهش

برای ارائهٔ پاسخ به سؤالات پژوهش، ابتدا لازم است پیشینهٔ پژوهش‌های انجام‌شده بررسی شود. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تاکنون پژوهشی تاریخی دربارهٔ دریافت مخاطبان فارسی‌زبان از متن ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* صورت نگرفته است؛ بنابراین، صرفاً به پژوهش‌های مرتبطی می‌پردازیم که به‌طورکلی با رویکردی تاریخی در حوزهٔ دریافت متن در زبان فارسی صورت گرفته‌اند؛ به‌ویژه پژوهش‌هایی که در حوزهٔ دریافت آثار ترجمه‌شده است؛ سپس، در بخش بحث و بررسی به آثاری می‌پردازیم که بدون اشاره به نظریهٔ دریافت و مفهوم افق انتظار ـ و صرفاً با ارائهٔ خوانش‌های مختلف، از جنبه‌های سبکی و محتوایی نیز به نقد و تحلیل *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* مبادرت کرده‌اند.

مطالعهٔ نخست را کهنمویی‌پور و قنبری (۱۳۹۵: ۹۴ و ۱۱۳) دربارهٔ زیبایی‌شناسی دریافت *گلستان* سعدی نزد مترجمان فرانسوی آن انجام داده‌اند که درواقع دریافت مترجمان فرانسوی *گلستان* طی دوره‌های مختلف تاریخی در فرانسه را بررسی می‌کند. *گلستان* سعدی بارها به زبان فرانسوی ترجمه شده است. کهنمویی‌پور و قنبری با توجه به شرایط تاریخی و ویژگی‌های ادبی ترجمه‌ها و مفهوم افق انتظار که مفهومی کلیدی در زیبایی‌شناسی دریافت است دلایل توجه بخش مهمی از خوانندگان این اثر را بررسی کرده‌اند که نخست مترجمان آن در قرون مختلف بوده‌اند و نیز علل ماندگاری آن را در ادبیات فرانسه مطالعه کرده‌اند. *گلستان* سعدی نخستین‌بار در قرن هفدهم از فارسی به فرانسوی ترجمه شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان داده است که استقبال از این اثر در آن دوره عمدتاً به‌دلیل توجه اثر به مضامین اخلاقی بوده که با اهداف سیاسی دربار فرانسه و مفهوم «انسان شریف» تناسب داشته و با ارزش‌ها و ذائقهٔ اجتماعی و ادبی فرانسه در قرن هفدهم تطبیق یافته بود. در قرن هجدهم و هم‌زمان با دورهٔ روشنگری در فرانسه، خصوصیات فلسفی و انتقادی اثر و توجه آن به بحث عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق محرومان و اقشار فرودست مورد توجه خوانندگان فرانسوی قرار گرفت. در قرن نوزدهم، بعضی از ویژگی‌های ساختاری و مضامین مشترک آن با رمانتیسم غربی درکنار ابعاد واقع‌گرایانه در متن *گلستان* با افق انتظار خوانندهٔ فرانسوی هم‌خوانی دارد و نهایتاً در قرن بیستم مجموعه‌ای از تمام عوامل فوق سبب تداوم دریافت خوانندهٔ فرانسوی *گلستان* است. درنهایت، کهنمویی‌پور و قنبری، با توجه به مفهوم افق انتظار یاوس، نتیجه گرفته‌اند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

که قالب و زبان ترجمهٔ *گلستان*، جنبه‌های اخلاقی اثر، دیدگاه‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی، مضامین متنوع و واقع‌گرایی موجود در آن مطابق با افق انتظار خوانندهٔ فرانسوی طی قرون مختلف بوده است.

در تحقیق دوم، جلالی (۱۳۹۷: ۱۶۱) با استفاده از مفهوم افق انتظار یاوس به بررسی مواجهه و دریافت یک خوانندهٔ خاص، یعنی وصّاف شیرازی، به‌منزلهٔ یکی از مهم‌ترین ادیبان و مورخان عصر مغول، از متن *کلیله و دمنه* پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داد که خوانش وصّاف -که در دورهٔ نابسامان مغول می‌زیست- از داستان‌های پندآموز و اخلاقی *کلیله و دمنه* با توجه به نوع گزینش حکایات و عبارات موجود در آن، که در متن *تاریخ وصاف* ذکر کرده، دریافتی نه صرفاً اخلاقی، بلکه کاملاً سیاسی و انتقادی است.

در پژوهشی دیگر، فارسیان و قاسمی (۱۳۹۹: ۵۱ و ۶۴)، به بررسی پذیرش (دریافت) ادبی (آثار) کریستین بوبن در ایران پرداختند. ازآنجاکه تاکنون ۳۸ عنوان اثر از نویسندهٔ مذکور در ایران ترجمه شده است، پژوهشگران چنین نتیجه گرفته‌اند که در ایران استقبال ادبی خوبی از بوبن صورت گرفته است؛ بنابراین، با استفاده از مفهوم افق انتظار یاوس و روش توصیفی-تحلیلی، به‌دنبال یافتن دلایل استقبال خوانندگان ایرانی و میزان سازگاری آثار ترجمه‌شدهٔ بوبن با ذائقهٔ آنها بودند. درنهایت، پژوهشگران علاوه‌بر عامل بیرونی شهرت مترجمان و ناشران، از عواملی چون ویژگی‌های ادبیات عامه‌پسند در آثار بوبن (ازجمله طرح مسائل روزمره، ساختار ساده، طرح مضامین درونی، احساسی و خانوادگی)، اثرپذیری از متون مذهبی، طرح عناصر طبیعت، مفاهیم عاشقانه و عشق‌ورزی، نقش دورهٔ کودکی و... به‌عنوان عوامل مؤثر در استقبال ادبی خوب از (آثار) کریستین بوبن در بین خوانندگان ایرانی نام برده‌اند.

۱. ۵. روش پژوهش

درحالی‌که پژوهشگران نقد ادبی خواننده‌محور، به‌طورکلی، به تحلیل تجربهٔ هر نوع خوانندهٔ فرضی علاقه‌مندند، پژوهشگران نظریهٔ دریافت، چگونگی دریافت خوانندگان واقعی از متون و چگونگی تکامل درک ادبی و خواندن در طول زمان را بررسی می‌کنند. در این مکتب، پژوهشگر یا منتقد ادبی معمولاً اسناد را بررسی می‌کند، از مقالات مروری معاصر آن اثر گرفته تا مقالات انتقادی که در طول نسل‌ها از اولین انتشار اثر نوشته شده‌اند یا خاطرات روزانه و اسنادی را که در آن خوانندگان برخورد خود را با آثار خاص توصیف کرده‌اند. همان‌طورکه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

تاریخچهٔ نشر و کتاب وجود دارد، تاریخچهٔ درک آثار ادبی و شیوه‌های خواندن نیز موجود است. انواع ادبی مختلف و آثار خاص، طبقات یا گروه‌های مختلف خوانندگان را ایجاد می‌کنند و آنها را مخاطب خود قرار می‌دهند. همچنین، برخی محققان برای بررسی خواندن، معیارهای کمّی یافته‌اند، مانند آمار انتشار، فروش و امانت‌گرفتن یک اثر از کتابخانه گرفته تا استفاده از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل نهایی آنها (Mays, 2019).

بنابر آنچه گفته شد، در پژوهش حاضر از روش توصیفی‌ـتحلیلی و همچنین از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. برای این منظور، مراحلی در نظر گرفته شده است: نخست، با جست‌وجو در منابع مختلف کتابخانه‌ای و برخط، آمار تقریبی انتشار داستان و تعداد ناشران، عمدهٔ مقالات پژوهشی، ادبی، و نقدهای موجود دربارهٔ ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* تهیه و گردآوری شد. سپس، ده اثر شاخص و مرتبط با دریافت‌های خوانندگانی که هرکدام به یک یا چند گروه شاعر، ادیب، پژوهشگر، نویسنده، مترجم، ایران‌شناس، و مورخ تعلق داشتند، انتخاب و بررسی شد. در مرحلهٔ تحلیل، عناوین آثار، نام نویسندگان، پژوهشگران و منتقدان به‌عنوان گروه خاصی از خوانندگان، و نیز متن مقالات با روش تحلیل محتوا بررسی شد تا مضامین (نوع انتظارات از عناصر زیبایی‌شناسی)، و دلایل استقبال/عدم استقبال خوانندگان در هر دورهٔ زمانی استخراج و مشخص شود. درنهایت، با توجه به مفهوم افق انتظار و با درنظرگرفتن ذائقهٔ ادبی این گروه از خوانندگان ایرانی در هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دلایل استقبال ادبی بررسی شد.

۱. ۵. ۱. محدودیت‌های پژوهش

درباب محدودیت‌های پژوهش، ذکر این نکته ضروری است که پژوهشگر به تمامی جامعهٔ آماری خوانندگان *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* در قبل و بعد از انقلاب اسلامی دسترسی نداشته است و چون انجام چنین کاری درباب هر اثری ناممکن است، صرفاً می‌توان پژوهش را به گروه خاصی از خوانندگان اثر محدود کرد. درعین‌حال، ازآنجاکه افکار و دریافت‌ها (به‌خصوص در گذشته) قابل ثبت و ضبط نبوده‌اند، بررسی دیدگاه‌ها و افق انتظارات خوانندگان در طول تاریخ تنها ازطریق نوشته‌های مکتوب آنها دربارهٔ اثر میسر است. درواقع، محدودیت کلی پژوهش‌های تاریخی موجب می‌شود تا پژوهشگر به‌جای روی‌آوردن به مشاهده یا مصاحبهٔ مستقیم با افراد، از اسناد و مدارک تاریخی ازجمله نوشته‌ها و مقالات آنها استفاده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

کند و پژوهش حاضر هم از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین، پژوهشگر بر آن شد تا حدود ۵۰ اثر پژوهشی، ادبی، مروری، انتقادی و... خوانندگان و صاحب‌نظران را دربارهٔ ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* در طی ۸۰ سال گذشته بررسی کند. پژوهشگر به نسخهٔ کامل برخی از موارد کل جامعهٔ آماری (حدود ۵۰ اثر) دسترسی نداشته، اما خوشبختانه تمامی ۱۰ اثر منتخب و مورد استفاده در این پژوهش به‌طور کامل بررسی شده و از تحلیل محتوا برای یافتن مضامین، انتظارات و دریافت‌های پژوهشگران از متن ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* استفاده شده است.

۲. خلاصه داستان

شخصیت اصلی داستان، حاجی‌بابا، متولد اصفهان، فرزند دلاکی است که هم سیمایی نیکو دارد و هم خوش‌بیان و زرنگ و چرب‌زبان است و از قضا عاشق سفر و سیاحت هم هست. او نخست تمام ترفندهای دلاکی را از پدر و نیز تاحدودی سواد مکتب‌خانه‌ای را از مُلای زادگاهش می‌آموزد، سپس به اتفاق تاجری اهل بغداد که عثمان‌آغا نام دارد به قصد تجارت عازم سفر مشهد می‌شود، اما از قضا راهزن‌های ترکمن راه بر او می‌بندند و به اسارت ایشان می‌افتد. در دورهٔ اسارت، با شاعری به نام عسکر، که او هم اسیر راهزن‌ها شده، دوست می‌شود. سپس، به اتفاق راهزنان به کاروان‌سرایی در اصفهان حمله و آن را غارت می‌کنند و به‌دنبال آن با ترفندی خود را از چنگ راهزنان می‌رهاند و راهی مشهد می‌شود. در آنجا شغل سقایی و تنباکوفروشی را برمی‌گزیند و با درویشان آشنا و از حال‌وروز ایشان باخبر می‌شود و از آنها دعانویسی و نقالی و معرکه‌گیری می‌آموزد. بعد از چندی، با دزدیدن اسب یک چاپار به تهران می‌رود و در آنجا دستیار طبیب شاه می‌شود. در منزل حکیم‌باشی شاه، دلباختهٔ کنیزی کُرد به نام زینب می‌شود و به معاشقه و هم‌آغوشی با او می‌پردازد. مدت زیادی نمی‌گذرد که شاه به خانهٔ میرزاحکیم‌باشی جلوس می‌کند و زینب پیشکش حرم شاهی می‌شود. پس از این اتفاق، حاجی‌بابا به لشکر شاه می‌پیوندد و نسقچی قشون می‌شود و همراه سپاهیان به مرز آذربایجان می‌رود تا عازم جنگ با روس‌ها شود. در سرحدات با مرد جوانی به نام یوسف ارمنی آشنا می‌شود و از حکایت عاشقانهٔ او و نامزدش مریم مطلع می‌گردد. حاجی‌بابا دوباره به تهران برمی‌گردد و دراین‌میان شاهد کشته‌شدن زینب، به جرم آبستن‌شدن است، و بدون آنکه برای نجات او کاری بکند، به‌خاطر جرمی که مرتکب شده، شبانه به اصفهان فرار می‌کند. وسط راه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

درمی‌یابد که راز او فاش شده، درنتیجه به قم می‌رود تا در آنجا بست بنشیند. در قم با مجتهدی به نام میرزا ابوالقاسم ملاقات می‌کند و با وساطت و شفاعت او پیش شاه از مجازات خلاصی می‌یابد. پس از آن، توصیه‌نامه‌ای از میرزا می‌گیرد و دوباره عازم تهران می‌شود و به خدمت مُلایی درمی‌آید. به‌خاطر اتفاقی که برای ملا می‌افتد دوباره آواره می‌شود، اما یک‌بار که فرصتی دست می‌دهد، با فریب‌دادن چندنفر، پولی به جیب می‌زند و به اتفاق کاروانی از راه کرمانشاه به بغداد می‌رود. در آنجا، دوباره مهمان عثمان‌آغا می‌شود که خود به‌تازگی از اسارت خلاص شده، و پس از چندی همراه او به‌قصد تجارت عازم استانبول می‌شود. در استانبول، به ظاهر اعتبار و آبرویی کسب می‌کند و به لطف آن، با بیوهٔ یکی از ثروتمندان شهر ازدواج می‌کند، اما پس از اندکی، بی‌اصل‌ونسب‌بودن او آشکار می‌شود و درنتیجه مجبورش می‌کنند تا زن را طلاق دهد. حاجی‌بابا به‌قصد شکایت نزد میرزافیروز، سفیر ایران در استانبول، می‌رود. وقتی میرزافیروز داستان پرفرازونشیب او را می‌شنود، دلش به رحم می‌آید و برای منشی‌گری استخدامش می‌کند. سرانجام، حاجی‌بابا پس از مدتی به ایران بازمی‌گردد و به شغل دلالی برای مقامات دربار ایران و سفیران فرنگی می‌پردازد و از قضا از این راه شهرتی هم پیدا می‌کند و با مقام و ثروتی بادآورده به زادگاه خود بازمی‌گردد تا همراه میرزافیروز آمادهٔ عزیمت به انگلستان شود (Morier, 1824؛ جمالزاده، ۱۳۴۸).

۳. بحث و بررسی

در جدول ۱، نام ناشران، دفعات چاپ، سال انتشار و شمارگان (تقریبی) ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* به‌قلم میرزاحبیب اصفهانی طی ۱۱۸ سال گذشته در هندوستان و ایران ارائه شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

جدول ۱. ناشران، سال انتشار و حداقل شمارگان (تقریبی) ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* طی بیش از یک‌قرن گذشته

شماره	ناشران (ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب اصفهانی)	سال انتشار	حداقل شمارگان
۱	انجمن آسیایی بنگال (کلکته ـ هند)	۱۲۸۴	۱۰۰ *
۲	حبل‌المتین (کلکته ـ هند)	۱۳۰۳	۱۰۰ *
۳	نامعلوم (چاپ تهران)	۱۳۳۰	۵۰۰ *
۴	کتاب‌فروشی شهریار اصفهان	۱۳۴۰	۱۰۰۰ *
۵	امیرکبیر (چاپ اول)	۱۳۴۸	۲۰۰۰
۶	انتشارات حقیقت (چاپ اول)	۱۳۵۱	۱۰۰۰ *
۷	انتشارات حقیقت (چاپ دوم)	۱۳۵۴	۱۰۰۰ *
۸	علمی	۱۳۷۰	۱۰۰۰ *
۹	الست فردا	۱۳۷۹	۱۰۰۰ *
۱۰	سمیر	۱۳۷۹	۱۰۰۰ *
۱۱	نشر مرکز (چاپ اول)	۱۳۷۹	۵۰۰
۱۲	نشر مرکز (چاپ ششم)	۱۳۸۷	۱۴۰۰
۱۳	نگاه (چاپ اول)	۱۳۸۸	۲۱۰۰
۱۴	امیرکبیر (چاپ دوم)	۱۳۹۸	۵۰۰ *
۱۵	شفیعی	۱۳۹۸	۵۰۰
۱۶	باهم	۱۴۰۱	۵۰۰ *
۱۷	نگاه (چاپ ششم)	۱۴۰۱	۵۰۰ *
۱۸	نشر مرکز (چاپ پانزدهم)	۱۴۰۲	۵۰۰ *

*** شمارگان ستاره‌دار، تقریبی و براساس میانگین، هنجار دورهٔ زمانی و شمارگان کتاب‌های مشابه در سال انتشار است.**

دربارهٔ میزان دقیق شمارگان و تعداد ناشران و دفعات چاپ کتاب *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* پیش از انقلاب اسلامی نمی‌توان اظهارنظر قطعی کرد. همان‌طورکه می‌دانیم، پیش از انقلاب، ذکر شمارگان کتاب کمتر مرسوم بود و البته الزامی هم نبود و ازطرفی به‌دلیل تعداد اندک قشر فرهیخته و کتاب‌خوان، شمارگان کتاب‌های حجیمی در حد پانصدصفحه مانند *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* چندان زیاد نبوده است. ازسوی‌دیگر، نسخه‌های صوتی، برخط و الکترونیک هم مانند امروز دردسترس نبود و خرید کتاب کاغذی تنها راه دسترسی به متن داستان‌ها بوده است؛ بنابراین، براساس نسخ موجود و طی چاپ‌های مختلفی که پیش از انقلاب و از سال ۱۳۳۰ تا انقلاب اسلامی به طبع رسیده است، می‌توان تخمین زد که حداقل پنج‌هزار و شاید تا ده‌هزار نسخه از کتاب *حاجی‌بابا* تا پیش از انقلاب اسلامی به چاپ رسیده باشد که این خود حاکی از استقبال گسترده از این اثر در آن دوره است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

پس از انقلاب اسلامی، تخمین زده می‌شود که نشر مرکز به‌تنهایی حداقل ده‌هزار نسخه از ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* را طی بیست‌سال گذشته منتشر کرده است. نشر نگاه با حدود پنج‌هزار نسخه دومین ناشر پرشمارگان این کتاب بعد از انقلاب است. دیگر ناشران نیز در این مدت حداقل پنج‌هزار نسخه از کتاب *حاجی‌بابا* را منتشر کرده‌اند که درمجموع می‌توان گفت حداقل بیست‌هزار و با احتساب نسخه‌های غیرقانونی شاید تا پنجاه‌هزار نسخه از کتاب *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* بعد از انقلاب به چاپ رسیده که خود حاکی از استقبال گسترده از این اثر ترجمه‌شده است. باید به این هم توجه داشت که طی ۱۵ سال اخیر، با شکل‌گیری فناوری‌های برخط و الکترونیک، و عدم رعایت و اجرای قانون مالکیت حقوق معنوی، بسیاری از افراد به خواندن نسخه‌های رایگان الکترونیکی کتاب یا شنیدن فایل صوتی آن ازطریق سامانه‌های برخط روی آورده‌اند. درنتیجه، تعداد خوانندگان این کتاب احتمالاً به ده‌هاهزار نفر می‌رسد.

مطابق آمار هرچند تقریبی جدول ۱، و با توجه به این حجم از انتشار، شمارگان و تجدید چاپ، ـ حتی بدون ذکر علل آن ـ می‌توان ادعا کرد که ترجمهٔ فارسی داستان *حاجی‌بابا* طی هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی از دریافت ادبی بسیار خوبی در میان خوانندگان فارسی زبان برخوردار بوده است و همواره انتظارات خوانندگان را برآورده و درنتیجه فرضیهٔ استقبال خوب از آن تأیید می‌شود؛ بااین‌حال، پژوهش حاضر در ادامه به‌کمک مفهوم افق انتظار یاوس به این سؤال پاسخ خواهد داد که به چه دلایلی استقبال خوانندگان فارسی‌زبان از این اثر تا به این حد زیاد بوده و شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت خوانندگان پیش و پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است.

۳. ۱. دریافت‌های دورهٔ قبل از انقلاب

در این بخش، با ارائهٔ مثال از آثار مختلف، دریافت‌های خوانندگان دورهٔ قبل از انقلاب، مرتبط با افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی و نیز افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی تبیین خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که در تمام نقل‌قول‌ها از آثار هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب، تأکیدها از نویسندهٔ مقالهٔ حاضر است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

۳. ۱. ۱. افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی

یکی از نخستین نمونه‌های پیش از انقلاب درباب انتظارات مربوط به سبک و زیبایی‌شناسی از ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* متعلق به محمدتقی بهار است که در جلد سوم کتاب *سبک‌شناسی* به رشتهٔ تحریر درآورده است. با توجه به اطلاعات ناقص و غیردقیقی که تا آن زمان دربارهٔ مترجم کتاب موجود بود، بهار ترجمهٔ کتاب را (با تردید) به شیخ احمد روحی نسبت داده و دربارهٔ آن نوشته است:

> و مشهور است که این کتاب را «روحی» از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است. قلمی که قدرت بر مجسم‌ساختن حکایات حاجی‌بابا کرده است از قادرترین و محکم‌ترین ساده‌نویسان آن عصر می‌باشد و هر قدر بر نویسندهٔ اصلی این کتاب که بایستی آن را معجز هوش و فراست و یادداشت و گردآوری معلومات شرقی شمرد، آفرین و خه و احسنت رواست، بر این مترجم نیز بایست احسنت و آفرین گفت. نثر حاجی‌بابا گاهی در سلاست و انسجام و لطافت و پختگی مقلد *گلستان*، و گاه در مجسم‌ساختن داستان‌ها و تحریک نفوس و ایجاد هیجان در خواننده، نظیر نثرهای فرنگستان است. هم ساده است و هم فنی، هم با اصول کهنه‌کاری استادان نثر موافق و هم با اسلوب تازه و طرز نو هم‌داستان، و در جمله یکی از شاهکارهای قرن سیزدهم هجری است (بهار، ۱۳۲۱: ۳۶۷/۳-۳۶۶).

مینوی در گفتار هشتم از کتاب *پانزده گفتار* خود با عنوان «حاجی‌بابا و موریه»، این‌گونه از ترجمهٔ میرزاحبیب تمجید می‌کند: «... این‌کتاب [*حاجی‌بابا*] به فارسی ترجمه شده است و مترجمش میرزاحبیب اصفهانی بوده و بسیار خوب انشا کرده است. اگر آن را نخوانده‌اید حتماً بخوانید، و اگر هم خوانده باشید به یک‌بار دیگر خواندن می‌ارزد» (مینوی، ۱۳۴۶: ۲۸۳/۲).

داستان‌نویس چیره‌دست، جمالزاده، در متن دیباچهٔ چاپ اول ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* چاپ انتشارات امیرکبیر این ترجمه را چنین توصیف کرده است:

> من ترجمهٔ فارسی کتاب نامبرده را از شاهکارهای نثر فارسی (بلکه شاهکار آن شاهکارها) تشخیص داده بودم... . چاپ و انتشار [ترجمهٔ فارسی] این کتاب که ازلحاظ اصل و ترجمه شاید بتوان آن را از آثار گران‌بهای ادبیات دنیایی و نمونهٔ اعلای نثر فارسی به‌شمار آورد [در انتشارات امیرکبیر] به تأخیر افتاد (جمالزاده، ۱۳۴۸: پنج).

به‌علاوه، آرین‌پور در اثر ماندگار خود، *از صبا تا نیما*، دربارهٔ حاجی‌بابا نوشته است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

نثری که در ترجمهٔ میرزا حبیب به‌کار رفته، از بهترین نثرهای عهد اخیر است. سرتاسر کتاب با اشعار مناسب از خود مترجم و استادان سخن فارسی و آیات و احادیث و امثال و اصطلاحات چنان مشحون و آراسته است که گویی در اصل به فارسی نوشته شده (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۴۰۰/۱).

ناطق (۱۳۵۳) با دیدگاهی متفاوت‌تر و از زاویه‌ای دیگر به داستان *حاجی‌بابا* می‌نگرد:

در مشرق‌زمین [در بین فارسی‌زبانان] داستان *حاجی‌بابا* شهرتش را فقط مدیون ترجمهٔ شیوا و زیرکانهٔ میرزاحبیب اصفهانی است که توانسته است مفاهیم و معانی را تغییر دهد و از این قصهٔ «استعمار» تاآنجاکه میسر است قصه‌ای ضداستعمار بیافریند. میرزاحبیب از روشن‌فکران آزاداندیش زمان خویش بود. ... قلم او ... همواره وقف مبارزه با ظلم و استبداد گشت. از ترجمه‌ها و تألیفات نیز جز این نیتی نداشت و در راه همین نیت است که به‌عنوان مترجم هرجا که دستش می‌رسد اسامی را تغییر می‌دهد، متن را عوض می‌کند، از خود مایه می‌گذارد و سطرها در هر صفحه به متن اضافه می‌کند تا هرچه می‌تواند داستان را با اوضاع و احوال زمان خویش وفق دهد. ... اضافات در ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب بر چند نوع است: گاه سیاسی است. ... گاهی این اضافات را به‌منظور انتقاد از عوام‌فریبی و خرافات می‌آورد ... یا به‌منظور شناساندن «چاپلوسی و کوتاه سخنی» (ناطق، ۱۳۵۳: ۲۹-۲۲).

ویژگی مشترک دریافت تمام خوانندگان قبل از انقلاب ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* تمجید از این نثر اعلای فارسی و توصیه به خواندن آن به‌عنوان شاهکار ادبی و اشاره به متن روان و منسجم آن است که هم ویژگی‌های برجستهٔ متون کهن چون *گلستان* سعدی را دارد و هم از امتیازات متون امروزی بهره می‌برد.

۳. ۱. ۲. افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

مینوی ضمن تحسین متن و محتوای اصل داستان و نیز ترجمهٔ فارسی آن و نیز اشارهٔ داستان به حوادث و رویدادهای تاریخی آن دوره، تا آنجا پیش می‌رود که انگار در حقیقت وجودی نویسندهٔ اصلی داستان (موریه) تردید دارد:

در هر فصل و هر گفتاری از این هشتاد گفتار کتاب غرق حیرت و تحسین می‌شوید که عجب مرد مطلعی بوده و چگونه از اخلاق و عادات و الفاظ و تعبیرات ایرانیان خبر داشته است. بی‌اختیار به خود می‌گویید یک نفر انگلیسی که تمام مدت اقامت او در ایران شش سال بوده، ... و در آن مدت هم به کارهای سیاسی سفارت انگلیس مشغول بوده و با دولتی‌ها سروکار داشته، ... چگونه ممکن است تااین‌حد زبان فارسی را یاد گرفته باشد که مذاکرات کلیهٔ اصناف

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

مردم ایران را بفهمد و نقل کند و به‌این‌اندازه به کُنه اخلاق و عادات و طرز رفتار ایرانیان برسد و در انواع مختلف زندگانی یک ملت ناشناس که به زندگانی ملی خود او چندان دور و بی‌شباهت بوده است چنین وقوف و استحضاری به‌هم رساند؟ (مینوی، ۱۳۴۶: ۲۸۸/۲).

به‌علاوه، جمال‌زاده که خود از تحسین‌کنندگان اثر موریه بوده است در پاورقی متن دیباچهٔ چاپ اول ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* دربارهٔ محتوای متن و نیت نویسنده چنین می‌گوید:

نویسندهٔ *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* مقداری از اخلاق ایرانیان را از بد و خوب و مخصوصاً از آنچه به‌نظر فرنگی‌ها ناپسندیده است آورده است، ولی روی‌هم‌رفته گویا ایرانیان را با آن‌همه خوبی و بدی که دارند دوست هم می‌داشته است، و بیان رفتار و کردار و گفتار آنها برایش بی‌لذت هم نبوده است (جمالزاده، ۱۳۴۸: پنج-شش).

بااین‌حال، آرین‌پور دربارهٔ محتوای *حاجی‌بابا*، با انتقاد از نویسنده اصلی نوشته است:

حاجی‌بابا کتابی است که آن را جیمز موریه به قصد انتقاد از ایرانیان و نمودن جهات زشت آداب و رسوم ایرانی به رشتهٔ تحریر کشیده است. ... کتاب *حاجی‌بابا* به‌صورت قصه و داستان نوشته شده و نویسنده در تصویر شخصیت‌ها و سرگذشت‌ها به قدر کافی توفیق یافته است، اما از حیث مطالب البته نویسنده قصد نداشته است که در کتاب خود از محاسن و فضایل قوم ایرانی و مفاخر گذشتهٔ ایران سخن بگوید،... چیزی که هست نویسنده در تحریر و تصویر همین معایب و مفاسد نهایت بی‌انصافی و غرض‌ورزی به خرج داده و ضعف اخلاقی بعضی از طبقات مردم ایران را خیلی بزرگ‌تر از آنچه درواقع بوده قلمداد کرده است. ... و چه بسیار کسان که به قول [ادوارد] براون از خواندن آن گمراه شده و همهٔ ایرانیان را با آن صفاتی شناخته‌اند که موریه توصیف کرده است (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۹۶/۱-۳۹۹).

شاید اوج شکایت از محتوای داستان موریه در مقالهٔ ناطق پدیدار می‌شود، آنجاکه موریه را به پیچ‌ومهره‌های دستگاه استعمار و استبداد تشبیه و به نادرستی و دروغ‌پردازی متهم می‌کند:

اگر همهٔ کوشش مترجم *حاجی‌بابا* در این است که با هر نوشته و هر عبارتی دستگاه ظلم و ستم و حکام و ستمگران زمان خویش را به باد انتقاد گیرد و جامعهٔ منحط و فاسد دوران خویش را بشناساند و مردم را آگاهی و بیداری بخشد، همهٔ سعی و اهتمام نویسندهٔ *حاجی‌بابا* در این است که به‌عنوان پیچ‌ومهرهٔ همین دستگاه، از هر رویدادی استفاده کند تا حق حاکمیت غرب و محکومیت شرق را به اثبات رساند و در این کوشش پیگیر برای حفظ منافع و موجودیت خویش و پایمال‌کردن حق و موجودیت دیگران آنچنان با جدیت و شتاب پیش می‌رود که گاهی در رفتار و کردار همزاد قهرمان خویش جلوه می‌کند. جیمز موریه در قالب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

> حاجی‌بابا می‌رود و بار دیگر داستان مسخ ستم‌پذیر به ستمگر و ستمگر به ستم‌پذیر تکرار می‌گردد. اگر شهرت [داستان *حاجی‌بابا*] بیش از سایر کتاب‌ها در این زمینه [شرق و شرقی‌ها] است ازاین‌رو است که این داستان تا اندازه‌ای آغاز ادبیات استعماری است. ... *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* برخلاف نظر بعضی از نویسندگان ازجمله استاد مینوی تصویری از طبقات گوناگون ایران در عهد فتحعلی‌شاه نیست، بلکه بیشتر تصویری است از طرز زندگانی و آداب‌ورسوم طبقه‌ای خاص. شرح موقعیت و شرایط شهرت‌یابی و ارتقاء طبقهٔ متوسط و خرده‌پای شهری است که در اثر عدم تأمین جانی و مالی می‌کوشند خود را از سلک محرومین دور سازند و برای حفظ منافع طبقاتی خویش به اولیای دولت بپیوندند. سرگذشت رجال تازه‌به‌دوران‌رسیدهٔ آن زمان است که جیمز موریه به‌عنوان کاردار سفارت انگلیس و منشی سفیر با آنان در تماس و در رابطه بود. ... سرگذشت حاجی‌بابا ... محصول همین آشنایی‌هاست. ... غرض جیمز موریه که در نادرستی و دروغ‌پردازی همزاد قهرمان خویش حاجی‌باباست، از نوشتن این داستان، نشان‌دادن سستی و ضعف دستگاه‌های حکومتی ایران، لزوم حمایت غرب از ایران، تحمیل سیاست استعماری انگلستان به ایران و توجیه نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان در ایران از لابه‌لای صلح‌نامه‌ها و عهدنامه‌هایی است که به دستیاری موریه به امضاء رسیده است (ناطق، ۱۳۵۳: ۳۰-۳۸).

درخصوص دریافت‌های مشترک محتوایی و تاریخی قبل از انقلاب از متن *حاجی‌بابا* می‌توان به ابراز تحیّر از اِشراف نویسنده به اخلاق و آداب‌ورسوم ایرانی و توفیق او در انتقاد از ابعاد زشت اخلاقی بعضی از طبقات مردم که به‌شکلی افراطی بیان شده است اشاره کرد که البته برخی افراد چون ناطق این انتقاد را تعمدی و با رویکردی سیاسی و استعماری شمرده‌اند.

۳. ۲. دریافت‌های بعد از انقلاب

در این بخش، با ارائهٔ مثال از مقالات مختلف به تبیین دریافت‌های گوناگون در دورهٔ بعد از انقلاب درباب افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی و نیز افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی پرداخته می‌شود. آنچه با بررسی آثار منتشرشده در این حوزه جلب توجه می‌کند این است که پس از انقلاب اسلامی عمدهٔ پژوهش‌ها درباب *حاجی‌بابا* از اواخر دههٔ هفتاد و اوایل دههٔ هشتاد شمسی به بعد انجام شده‌اند که حاکی از یک دورهٔ رکود پژوهشی بیست‌ساله (طی دورهٔ انقلاب، جنگ تحمیلی و بازسازی پس از جنگ) است. این امر، همچنین با فاصلهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

شانزده‌سال بین آخرین چاپ ترجمهٔ کتاب پیش از انقلاب و اولین چاپ مجدد آن بعد از انقلاب اسلامی تأیید می‌شود (ر.ک: جدول ۱).

۳. ۲. ۱. افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی

نخستین نقد شاخص در حوزهٔ افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی بعد از انقلاب متعلق به کریمی‌حکاک (۱۳۷۸) است. البته، اصل مقالهٔ او به انگلیسی و در سال ۱۹۹۸ میلادی (۱۳۷۷ خورشیدی) نوشته شده و مجدالدین کیوانی یک‌سال بعد آن را به فارسی ترجمه کرده است:

> ازلحاظ کیفیت زیبایی‌شناسی، در میان همهٔ ترجمه‌های سدهٔ نوزدهم، یک اثر برجستگی بیشتری دارد: ترجمهٔ میرزاحبیب اصفهانی از «ماجراهای حاجی‌بابای اصفهانی» نوشتهٔ جیمز موریه. ... ترجمهٔ حبیب اصفهانی که در ۱۸۸۶ میلادی از متن فرانسوی صورت گرفته از بسیاری جهات بی‌نظیر است. مترجم با استفاده از انواع تکنیک به این اثر حال‌وهوای بومی داده است: متن را به سبک محاوره‌ای نوشته، و ضرب‌المثل‌های فارسی بسیار به‌کار برده و در جای‌جای اثر شعر و طنز فارسی گنجانده است (کریمی‌حکاک، ۱۳۷۸: ۶۱-۶۲).

بوبانی نیز ضمن اشاره به برجستگی متن *حاجی‌بابا*، به دلایل توفیق میرزاحبیب در ترجمهٔ فارسی آن می‌پردازد:

> زمانی که خوانندهٔ آشنا به زبان فارسی ترجمهٔ میرزاحبیب اصفهانی را در دست می‌گیرد، برایش مشکل است که باور کند اصل این داستان به انگلیسی نوشته شده است. عمده‌ترین دلیل این مسئله برمی‌گردد به نوع ترجمهٔ میرزاحبیب. او *حاجی‌بابا* را از تمامی جهات ایرانی کرده است و برای انجام این‌کار نه‌تنها با آزادی عمل به افزودن اشعار و اصطلاحات فراوانی از خود و دیگران به متن دست یازیده، بلکه در صورت لزوم از ترجمهٔ پاره‌هایی از متن ـ که تشخیص داده موجب ملال خوانندهٔ ایرانی می‌شود ـ خودداری نموده است. بدین‌ترتیب، تجربهٔ خواندن متن انگلیسی و ترجمهٔ فارسی به‌هیچ‌وجه یکسان نیست و خواننده سنخیت چندانی میان زبان نسبتاً خشک متن انگلیسی و توصیفات دایره‌المعارف‌گونهٔ آن، و زبان زنده و جاندار میرزاحبیب، که با اشعار و ترکیبات و اصطلاحات گوناگون فارسی غنای بسیار یافته است، نمی‌یابد (بوبانی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴).

حدادیان‌مقدم در مقاله‌ای که اصل آن به انگلیسی (در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱) منتشر و به‌قلم مصطفی حسینی به فارسی ترجمه شده، به نقش میانجی میرزاحبیب در ترجمهٔ *حاجی‌بابا* پرداخته است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

> اگرچه این ترجمه روی‌هم‌رفته چندان به متن وفادار نیست، در آزادکردن زبان فارسی از نثر مصنوع دورهٔ قاجاریه آموزنده است و نشان می‌دهد که میرزا[حبیب] در ترجمه نه خوانندهٔ دربار قاجار و طبقهٔ باسواد را، بلکه خوانندگان عام را مدنظر داشته است. ... میرزا در تبعید به میانجی‌گری در ترجمه دست زد و به پیشرفت سیاسی، بیش از الزامات وفاداری به متن خارجی بها داد و با نوآوری بر سبک مصنوع نثر فارسی غالب شد (حدادیان مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۵).

دهقانیان و جمالی در پژوهش خود این فرضیهٔ قدیمی را به اثبات رسانده‌اند که میرزاحبیب اصفهانی در ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابا*، میراث نویسندگی سنّتی فارسی به‌ویژه از *گلستان* را به داستان‌نویسی جدید انتقال داده است:

> شیوهٔ نگارش میرزاحبیب در این ترجمه -که متن‌های گوناگون در آن حضور دارند- به‌گونه‌ای است که گویی متن‌های گذشته در این آخرین شعلهٔ نثر سنّتی، با هم هم‌نوایی بزرگی را برپا کرده‌اند. دراین‌میان، آثار سعدی به‌ویژه *گلستان* حضوری چشم‌گیرتر دارد. میزان ارجاعات ترجمهٔ *سرگذشت حاجی‌بابا* به *گلستان* و وام‌گیری‌های میرزاحبیب از این اثر، نقش زبان و اسلوب بیانی سعدی را در شکل‌گیری شیوهٔ نگارش و طرز بیان میرزاحبیب آشکار می‌سازد. ... [ترجمهٔ *حاجی‌بابا*] در دورهٔ گذار نویسندگی فارسی و به‌منزلهٔ پلی از سنّت به مدرنیته است (دهقانیان و جمالی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۲).

آذرنگ نیز در کتاب *تاریخ ترجمه در ایران* دربارهٔ سبک و زیبایی‌شناسی ترجمهٔ میرزاحبیب می‌نویسد:

> نوشتهٔ موریه ... به زیباترین، شیواترین و هنرمندانه‌ترین بیان ممکن در زمان خود به فارسی برگردانده شده است. ... [میرزاحبیب] بنا به موقعیت‌های داستانی، به بازنگری دست زده و درنتیجه بسیاری از قسمت‌ها را از متن اصلی، که به انگلیسی است، گویاتر و شیواتر از کار درآورده است. میرزاحبیب در متن هم تصرف کرده و نکته‌هایی به آن افزوده است. ... شماری واژه، اصطلاح، عبارت و ترکیب را از زبان محاوره‌ای مردم عادی کوچه و بازار برگرفت. از میان ضرب‌المثل‌های رایج، بهترین، بجاترین و گویاترین را برگزید. از هنرهای کلامی در زمینهٔ سجع‌سازی، قافیه‌بندی و موزون‌تراشی با تسلط کامل استفاده کرد. ترکیب‌های فراوان، کم‌نظیر و بی‌مانندی به‌کار برد... و همهٔ اینها را با نثری در ترجمه به‌کار بست که... در شمار نثرهای خلاقانه و طراز اول زبان فارسی جای می‌گیرد. مجموع این ویژگی‌ها در ترجمهٔ *حاجی‌بابای اصفهانی* سبب شد که... تحولی در نثر ترجمه و نگارش به زبان فارسی به‌بار بنشیند (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۲۹۴-۲۹۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

وجه اشتراک تمام دریافت‌های سبکی و زیبایی‌شناسی بعد از انقلاب، اشاره به برجستگی کیفی و بی‌نظیر متنی بومی‌شده است که هم برای خوانندهٔ عام حالت محاوره‌ای و قابل‌فهم دارد و هم مزین به شعر و ادب فارسی به‌خصوص وام‌گیری از *گلستان* سعدی برای جلب‌نظر خواص است. به‌اعتقاد این صاحب‌نظران، جان‌بخشیدن مترجم به متن با حذف و اضافات و خلاقیتی که به خرج داده مایهٔ تحول و نوآوری در سبک نثر فارسی شده است.

۳. ۲. ۲. افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

در این بخش نیز نخست به ارائهٔ دیدگاه کریمی‌حکاک می‌پردازیم که اثر موریه را انتقادی تند اما واقع‌گرایانه می‌داند:

> ... کتاب [داستان *حاجی‌بابا*] موریه، که در ۱۸۲۴ میلادی نوشته شده، از جامعهٔ ایرانی بسیار تند انتقاد کرده، و به‌عنوان اثری واقع‌گرایانه هیچ‌گاه مورد پذیرش ایرانیان نبوده است. ... شیوهٔ کار [ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب] چنان موفق بود که پس از اندک زمان این نظریه پیدا شد که کار موریه احتمالاً براساس اصلی فارسی نوشته شده است. ازآنجاکه نظریهٔ مذکور این تسکین خاطر را به ایرانیان می‌داد که انتقاد موردنظر شاید ازسوی‌یک ایرانی صورت گرفته باشد، قوت و اعتباری پیدا کرد. این نظریه اکنون به‌کلی رد شده است (کریمی‌حکاک، ۱۳۷۸: ۶۲).

درواقع، کریمی‌حکاک همان‌گونه که نقد موریه را بسیار تند ارزیابی کرده، اما آن را واقع‌گرایانه می‌داند و درنتیجه پیدایش نظریهٔ نسخهٔ اصلی فارسی را صرفاً تسلی و تسکین خاطری برای ایرانیانی می‌داند که سعی در توجیه انتقاد گزندهٔ موریه دارند. برخلاف کریمی‌حکاک، بوبانی داستان *حاجی‌بابای* موریه را «از نمونه‌های بسیار شاخص ادبیات استعماری» می‌داند. مقالهٔ او، اگرچه به‌طور خاص درباب متن اصلی موریه است، در بخش‌هایی به ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب و موفقیت او در تغییر پیام و محتوای آن به متنی ضداستبدادی نیز می‌پردازد، ازجمله:

> میرزاحبیب، که به‌خاطر آزادی‌خواهی و وطن‌دوستی مجبور به ترک ایران گشته بود، از متنی استعماری نوشته‌ای ضداستبدادی آفریده است. او برای انجام این‌کار به‌شیوه‌های گوناگون به هجو حکومت قاجار پرداخته و دراین‌میان بیش‌ازهمه به چاپلوسی‌ها و عوام‌فریبی‌ها تاخته است. ازطریق این نوع اضافات و هجویه‌های سیاسی و ادبی، میرزاحبیب راه خود را تا حدزیادی از موریه جدا کرده است و با ترجمهٔ خویش نه‌تنها استبداد حکومتی را محکوم نموده، بلکه استبداد زبانی را هم با چیره‌دستی درهم شکسته و در کالبد مردهٔ زبان فارسی جانی تازه دمیده است (بوبانی، ۱۳۸۷: ۲۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

حدادیان‌مقدم درخصوص محتوا و تأثیر شرایط اجتماعی ترجمهٔ میرزاحبیب معتقد است:

> با توجه به موقعیت میرزا[حبیب] در تبعید، ... در ترجمه روشی را برگزیده است که به او اجازه می‌دهد معنا را تقویت و فساد طبقهٔ حاکم و فقر فراگیر و عوام‌فریبی مذهبی در ایران آن روزگار را برجسته سازد. افزایش و کاهش در روش ترجمهٔ میرزا دلایل سیاسی دارد و گمان می‌رود که میرزا با این‌کار امیدوار بوده تا خوانندهٔ ایرانی را علیه حکومت قاجار تحریک کند؛ هدفی که بی‌تردید به بار نشسته است. ... برای میرزا، مترجمِ در تبعید، انتخاب کارکرد سیاسی، احتمالاً تنها راهی بوده که ازطریق آن می‌شده است حتی با وجود تهدید از جانب طبقهٔ حاکم در ایران، دست به میانجی‌گری زد. این به‌معنی پشت‌پازدن به اخلاق نیست... میانجی‌گری او از جنس تبعید و آزادی‌بخش و در ضمن سیال بود (حدادیان‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۲).

آذرنگ با بیان اینکه پی‌بردن به نیت اصلی موریه غیرممکن است و با توجه به این نکته که او کتاب را به زبان انگلیسی و برای خوانندهٔ غیرایرانی نوشته و حاصل کار او ازطریق ترجمهٔ آن به فارسی در ایران تأثیر گذاشته، درخصوص محتوا و تأثیر اجتماعی ترجمهٔ میرزاحبیب می‌نویسد:

> همین ترجمه به‌دست آزادی‌خواهان، مخالفان استبداد سیاسی و فساد اجتماعی و اخلاقی، گروه‌های ضددولت وقت، دگراندیشان و روشن‌فکران افتاد و آنها از آن بسان حربهٔ کوبنده‌ای به هرطریق که می‌توانستند برضدّ حکومت و اوضاع‌واحوال جاری استفاده کردند و داغ دل را از زبان یک فرنگی بیان کردند. هم‌آوازی مترجم، مروّجان و خوانندگان کتاب هم در عمل نشان داد که جامعهٔ باسواد و منتقد پیام کتاب را به‌خوبی دریافت کرده بود. دریافت این پیام به همان صورتی که رخ داده بود شاید همان نیت اصلی نویسنده بوده باشد (آذرنگ، ۱۳۹۵: ۲۹۵).

به‌رغم اینکه بسیاری از منتقدان داستان موریه را از نمونه‌های بارز ادبیات استعماری می‌دانند که موجب تقویت استبداد می‌شود، ازنظر آذرنگ، موریه نیتی ضداستبدادی داشته است.

دربارهٔ دریافت‌های محتوایی و تاریخی متن در دورهٔ پس از انقلاب هم می‌توان به ذکر دلیل برای انتقاد تند نویسنده اشاره کرد که برخی آن را واقع‌بینانه و برخی عامدانه، تخریبی و استعماری دانسته‌اند. به‌علاوه، همهٔ صاحب‌نظران ترجمهٔ موفق میرزاحبیب را ضداستبدادی و آگاهی‌بخش دانسته‌اند که این امر ناشی از انگیزه‌های درونی و شرایط تبعید او بوده است و برخی چون آذرنگ با اشاره به ترجمهٔ ضداستبدادی میرزاحبیب، نیّت موریه را از احتمال سوءبودن تبرئه کرده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

۳. ۳. مقایسهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت، پیش و پس از انقلاب اسلامی

ازآنجاکه پژوهش حاضر، چه در مقام مقایسهٔ دو دورهٔ تاریخی و چه به‌لحاظ بررسی نظرهای مختلف درباب ترجمهٔ یک اثر ادبی، ماهیت تطبیقی (مقایسه‌ای) دارد، و نیز در پاسخ به پرسش سوم این پژوهش، در ادامه به مقایسهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌ها در دو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا با ذکر مضامین اصلی در جداول ۲ و ۳ به مقایسهٔ دریافت‌های ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازیم.

جدول ۲. مقایسهٔ افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابا* پیش و پس از انقلاب اسلامی

شماره	دریافت‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۲۱-۱۳۵۷)	دریافت‌های بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۹۵)
۱	ساده‌نویسی و فنی‌نویسی، ترکیبی از سبک کهنه و نو بهار (۱۳۲۱)	برجسته‌ترین اثر قرن ۱۹، با متن محاوره‌ای و استفادهٔ بسیار از ضرب‌المثل و شعر و طنز فارسی کریمی حکاک (۱۳۷۸)
۲	نگارش قوی و توصیهٔ اکید به خواندن داستان مینوی (۱۳۴۶)	دشواری باور به اینکه اصل داستان انگلیسی است، نوع ترجمهٔ میرزاحبیب حاجی‌بابا را از تمامی جهات ایرانی کرده بوبانی (۱۳۸۷)
۳	اثری گرانبها از ادبیات دنیایی و شاهکار نثر فارسی جمال زاده (۱۳۴۸)	خوانندهٔ عام را مدنظر داشته، نوآوری کرده و زبان فارسی را از نثر مصنوع دورهٔ قاجار آزاد کرده است حدادیان مقدم (۱۳۹۳)
۴	استفاده از آرایه‌های ادبی، آیات، احادیث، اصطلاحات و تأکید بر بینامتنیت اثر، انگار که ترجمه نیست آرین‌پور (۱۳۵۰)	بینامتنیت، هم‌نوایی بزرگ متن‌های گوناگون، ارجاع و وام‌گیری از *گلستان* سعدی، گذار نویسندگی فارسی از سنّت به مدرنیته دهقانیان و جمالی (۱۳۹۳)
۵	مترجم سطرهایی در هر صفحه به متن اضافه می‌کند، اضافات او با هدف سیاسی، انتقادی و ادبی است ناطق (۱۳۵۳)	تصرف در متن با استفاده از زبان محاوره، ضرب‌المثل، از جمله نثرهای خلاقانه و طراز اول، تحول در نثر فارسی آذرنگ (۱۳۹۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

جدول ۳. مقایسهٔ دریافت‌های افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران

شماره	دریافت‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۲۱-۱۳۵۷)	دریافت‌های بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۹۵)
۱	---------- (فاقد نظر) بهار (۱۳۲۱)	نقد خیلی تند اما واقع‌گرایانه از جامعهٔ ایرانی، این نظر که کار موریه بر اساس اصلی فارسی است، برای تسکین خواننده است کریمی‌حکاک (۱۳۷۸)
۲	شگفتی از آگاهی نویسنده، چگونه ممکن است نویسنده تا این حد به کُنه اخلاق و عادات و رفتار ایرانیان برسد؟ مینوی (۱۳۴۶)	مترجم متن استعماری را ضداستبدادی کرده، نه‌تنها استبداد حکومتی بلکه استبداد زبانی را هم درهم شکسته است بوبانی (۱۳۸۷)
۳	در مجموع، نویسنده ایرانیان را با آن‌همه خوبی و بدی که دارند دوست هم می‌داشته جمالزاده (۱۳۴۸)	مترجم میانجی‌گری کرده و با افزایش و کاهش در ترجمه معنا را تقویت و فساد طبقهٔ حاکم را برجسته کرده است حدّادیان مقدّم (۱۳۹۳)
۴	نهایت بی‌انصافی و غرض‌ورزی نویسنده و بزرگ‌نمایی و تصویر اشتباه از ضعف اخلاقی بعضی از طبقات مردم ایران آرین‌پور (۱۳۵۰)	---------- (فاقد نظر) دهقانیان و جمالی (۱۳۹۳)
۵	مترجم به‌دنبال آگاهی و بیداری مردم (ضد استبداد) اما نویسنده ضدشرق و دنبال حق حاکمیت غرب (آغاز ادبیات استعماری) و توجیه نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان است ناطق (۱۳۵۳)	ترجمه بر ضد حکومت و اوضاع و احوال زمانه بود، جامعهٔ باسواد و منتقد، پیام کتاب را به‌خوبی دریافت و شاید این همان نیت اصلی نویسنده بوده است آذرنگ (۱۳۹۵)

۳. ۳. ۱. مقایسهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌های مبتنی بر افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی

جدول ۲ حاکی از آن است که شباهت‌های افق انتظار سبک و زیبایی‌شناسی در هردو دوره بیش از تفاوت‌های آنها است. نثر به‌کاررفته در متن *حاجی‌بابا* به‌اتفاق آراء در هردو دوره هدف تحسین و ستایش قرار گرفته و شاهکاری برجسته و ماندگار نامیده شده است. اشاره به روانی و انسجام متن و شباهت آن به نثر مسجع *گلستان* از دیگر شباهت‌ها در هردو دوره است. نوآوری سبکی در متن، درکنار توجه به سبک قدما و ذکر اینکه اضافات میرزاحبیب نه صرفاً ادبی، بلکه عمدتاً سیاسی است در هردو دوره مورد توجه منتقدان واقع شده است، اما پس از انقلاب، علاوه‌بر اشاره به ویژگی‌های متن، به اهمیت مخاطب و ذکر اینکه آفرینش متن ترجمه به‌شکلی بوده که مخاطب عام را خطاب قرار دهد محل تأکید است. برخی دریافت‌های بعد از انقلاب به این امر توجه کرده‌اند که میانجی‌گری مترجم با حذف و اضافهٔ هدفمند و ارجاع‌دادن او به متون مختلف جانی تازه در نثر فارسی دمیده و سبکی خاص و بی‌نظیر ایجاد کرده که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

پلی بین گذشته و حال است. نکتهٔ جالب‌توجه این است که به‌نظر می‌رسد عمدهٔ خوانندگان و صاحب‌نظران قبل از انقلاب متن ترجمه را به‌مثابهٔ اثر یک نویسنده در نظر گرفته‌اند، درحالی‌که عمدهٔ خوانندگان بعد از انقلاب به ترجمه‌بودن آن توجه بیشتری داشته‌اند.

در چالش بین صورت و محتوا، آن‌گونه که کریم امامی (۱۳۵۳: ۵۰) معتقد است، شاید میرزاحبیب با تغییراتی که در الفاظ کتاب و صورت آن ایجاد کرده، دقیق و امانت‌دار نبوده است، اما ترجمه‌ای کاملاً روان و موفق را به خواننده ارائه داده و در عمل به روح کتاب وفادار بوده است.

۳. ۳. ۲. مقایسهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های دریافت‌های مبتنی بر افق انتظار محتوا و تاریخ اجتماعی

مطابق جدول ۳، در هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی عموماً از نویسندهٔ اصلی متن انتقاد شده و خوانندگان تصویری را که موریه از جامعهٔ ایران و اخلاق و آداب‌ورسوم ایرانی ارائه کرده است غیرمنصفانه، افراطی و اغراق‌آمیز ارزیابی کرده‌اند؛ بااین‌حال، به‌نظر می‌رسد انتقاد از نویسنده پیش از انقلاب بیشتر بوده و سیر تحولات تاریخی در جامعهٔ ایران حاکی از آن است که پس از دههٔ ۴۰، که جمالزاده (۱۳۴۸) معتقد بود که نویسندهٔ انگلیسی درمجموع ایرانیان را دوست می‌داشته، هرچه به سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و شاید با تأثیرپذیرفتن از احساسات انقلابی و ضداستعماری آن دوره، بر شدت و دامنهٔ انتقادها از نویسنده و به‌طورکلی سیاست‌های استعماری غرب افزوده می‌شود. اوج این نوع دریافت در گفتمان آرین‌پور (۱۳۵۰) و ناطق (۱۳۵۳) به‌وضوح قابل رؤیت است. البته، با وجود اینکه بیشتر منتقدان در هردو دوره این کار موریه را عامدانه و درجهت تأمین اهداف استعماری و ژئوپولتیک دولت انگلستان دانسته‌اند، برخی از خوانندگان بعد از انقلاب (کریمی‌حکاک، ۱۳۷۸)، دیدگاه موریه را واقع‌بینانه می‌پندارند و طرح نظریهٔ ایرانی‌بودن نویسنده را اعتراف ضمنی به پذیرفتن برخی دیدگاه‌های نویسندهٔ اصلی ازنظر خوانندهٔ ایرانی می‌دانند. ازسوی‌دیگر، بیشتر صاحب‌نظران ترجمهٔ میرزاحبیب را آزادی‌خواهانه، آگاهی‌بخش و ضداستبدادی ارزیابی کرده‌اند. اینکه چگونه متنی به زبان انگلیسی و با اهداف استعماری، پس از ترجمهٔ آن به فارسی، غرض خود را نقض کرده و مایهٔ آگاهی مردم از ماهیت استبدادی و فاسد حکومت‌های تحت سلطهٔ اجنبی شده، در دوره‌های مختلف به‌شکل متفاوتی دریافت شده است. قبل از انقلاب، یا با فرض‌گرفتن یک نویسنده/متن اصلی ایرانی، به‌کلّ، وجود نویسندهٔ استعماری انکار شده یا سعی شده است که انتقاد تند موریه کم‌اهمیت تلقی یا تلطیف شود. البته، برخی افراد پیش از انقلاب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

هم با اشاره به ماهیت استعماری متن اصلی، نویسنده را به دروغ‌پردازی متهم کرده‌اند (ناطق، ۱۳۵۳). ازجمله دریافت‌های دورهٔ پساانقلاب، اشاره به این نکته است که ترجمهٔ میرزاحبیب، علاوه‌بر تخطئهٔ استبداد حکومتی، سبب شکسته‌شدن استبداد زبانی هم شده است. برخی نیز معتقدند تأثیر میرزاحبیب در جایگاه مترجم تبعیدی و تأثیر دریافت خود او از متن اصلی، بر کارکرد سیاسی اثری که آفریده، موجب شد تا دگراندیشان و روشن‌فکران مشروطه و پس از آن نیز از آن اثر چنان دریافتی داشته باشند.

٤. نتیجه‌گیری

توجه به نقش مترجم در «دریافت» چنین اثری در ادبیات فارسی حائز اهمیت است. خود میرزاحبیب در مقدمهٔ ترجمه‌اش اشاره دارد که آن را با زبانی قابل فهم برای عوام و مورد پسند خواص و با استفاده از اصطلاحاتی شناخته شده و مشهور ترجمه کرده است. آنجاکه سخن از دریافت سبک و زیبایی‌شناسی است، اغلب صاحب‌نظران به متن ترجمه و توانایی مترجم در انتقال و ایجاد سبک و ظرایف زیبایی‌شناسی اشاره می‌کنند و هرجاکه سخن از دریافت محتوا و تاریخ اجتماعی است، در عین تحسین مترجم در انتقال محتوا، به اهداف و نیات نویسنده انتقاد دارند. آنچه در این پژوهش تبیین شده، تفوق مترجم بر نویسنده است که معمولاً در بسیاری از آثار ترجمه‌شده ممکن نیست؛ یعنی نه‌تنها نقش مترجم در نوع دریافت سبک و زیبایی‌شناسی خوانندهٔ فارسی کاملاً واضح است، بلکه میرزاحبیب با هنرمندی و درایت توانسته نقش نویسندهٔ اصلی را در آفرینش برخی مضامین و محتوای داستان نیز تحت‌الشعاع قرار دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی، خوانندگان ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* دریافت‌ها و انتظارات بسیاری از این متن داشته‌اند که عمدتاً شبیه به هم و گاه خیلی متفاوت بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی است افرادی که آثارشان بررسی شد، پس از خواندن ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی*، انتظارات سبکی و زیبایی‌شناسی‌شان برآورده شده است؛ چراکه اغلب آنها اظهار کرده‌اند که ترجمهٔ فارسی *حاجی‌بابا* برجسته و شاهکار بوده است؛ یعنی در واقع دریافت آنان از این اثر فراتر از افق انتظارشان بوده است. حتی افرادی که ممکن است انتظارشان از جنبهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

محتوا و تاریخ اجتماعی با خواندن متن اصلی (به زبان انگلیسی) برآورده نشده، یا به چالش کشیده شده باشد، با خواندن ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب این انتظارشان نیز برآورده شده است. برخلاف برخی خوانندگان متن انگلیسی که بعضاً متن داستان موریه را خشک و توضیحات آن را خسته‌کننده و دایره‌المعارف‌گونه توصیف کرده‌اند و احتمالاً انتظارات سبکی و زیبایی‌شناختی‌شان برآورده نشده، تمام خوانندگان ترجمهٔ فارسی به زیبایی، پویایی، سلاست و بلاغت متن ترجمهٔ فارسی میرزاحبیب معترف‌اند و درنتیجه افق انتظارشان از این جنبه در هردو دوره برآورده شده است؛ بنابراین، *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* طی هردو بازهٔ زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه ذائقهٔ ادبی و مطابق انتظارات ادیبان، منتقدان و پژوهشگران بوده و با گذشت زمان، همچنان مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته است. برخی تفاوت‌ها در دریافت خوانندگان در دو دورهٔ مختلف تاریخی موجب تکامل درک ما از متن ترجمهٔ فارسی *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* می‌شود. پژوهشگران آتی می‌توانند دریافت تاریخی آثار مشابه یا متفاوت را ارزیابی و شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌های خود را با پژوهش حاضر بررسی کنند. پژوهشگران بعدی با استفاده از پرسش‌نامه یا مصاحبه با خوانندگان می‌توانند به مقایسهٔ دریافت کنونی متن *حاجی‌بابا* با دریافت تاریخی آن و نیز در میان گروه‌های مختلف خوانندگان عام یا خاص اقدام کنند.

با مطالعهٔ فرامتن تاریخی، اجتماعی و ادبی اثر می‌توان برای ساختن افق انتظار احتمالی آن در یک دورهٔ خاص تاریخی استفاده کرد و در این میان نقش پژوهشگر ادبی «عینیت‌بخشیدن» به این افق است تا بتواند ماهیت هنری اثر را ارزیابی کند. به‌نظر می‌رسد خوانش‌های پیاپی خوانندگان از نسلی به نسل دیگر حاکی از اهمیت تاریخی داستان *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* در هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی و استقبال خوب آنها در هردو دوره بوده است، و اگرچه دریافت‌ها گاه مختلف بوده، ماندگاری این اثر تضمین شده است. مطابق نظریهٔ دریافت یاوس، منتقد ادبی همواره باید با توجه به تأثیری که آثار برجستهٔ ادبی بر شرایط و رویدادهای جاری دارند یا تأثیری که از آنها می‌پذیرند، در آثار معیار تجدیدنظر کند. بااین‌وصف، می‌توان ادعا کرد با توجه به تأثیرگذاری ترجمهٔ داستان *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی* در هردو دورهٔ قبل و بعد از انقلاب اسلامی، این اثر کماکان در دورهٔ معاصر هم یکی از آثار معیار، ماندگار و محبوب فارسی خواهد ماند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

پی‌نوشت

1. James Justinian Morier
2. The Adventures of Hajji Baba of Ispahan
3. Picaresque
4. Genre
5. Histoire de Gil Blas de Santillane
6. Alain-René Lesage
7. Reception
8. Horizon of expectations
9. Hans Robert Jauss
10. Reader-oriented criticism
11. Structuralism
12. Subjective Criticism
13. Phenomenology
14. Gerald Prince
15. Jonathan Culler
16. Hermeneutics
17. Emilio Betti
18. Eric Donald Hirsch
19. Martin Heidegger
20. Hans-Georg Gadamer
21. Stanley Fish
22. George Poulet
23. Wolfgang Iser

منابع

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۵). *تاریخ ترجمه در ایران: از دوران باستان تا پایان عصر قاجار*. چاپ دوم. تهران: ققنوس.

آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما*. جلد اول. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

امامی، کریم (۱۳۵۳). درباب ترجمهٔ عام‌فهم و خاص‌پسند حاجی‌بابا. *کتاب امروز*. شمارهٔ ۸: ۴۳-۵۲.

بوبانی، فرزاد (۱۳۸۷). جیمز موریه، حاجی‌بابا و ادبیات استعماری. *پژوهش زبان‌های خارجی*. شمارهٔ ۴۳: ۲۷-۵.

بهار، محمدتقی (۱۳۲۱). *سبک‌شناسی*. جلد سوم. تهران: وزارت فرهنگ.

جلالی، محمدامیر (۱۳۹۷). تحلیل بازتاب کلیله و دمنه در مجلدات پنجگانهٔ تاریخ وصاف ازمنظر نظریهٔ دریافت. *متن‌پژوهی ادبی*. سال بیست‌ودوم. شمارهٔ ۷۷: ۱۴۳-۱۶۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۸). دیباچه. در: *سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی اثر جیمز موریه*. ترجمهٔ میرزاحبیب اصفهانی. تهران: امیرکبیر. پنج-بیست.

حدادیان‌مقدم، اسماعیل (۱۳۹۳). میانجی‌گری در ترجمه و انتشار ترجمهٔ فارسی سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی. ترجمهٔ مصطفی حسینی. *ادبیات تطبیقی* (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). شمارهٔ ۹: ۱۰۷-۱۴۰.

دهقانیان، جواد؛ جمالی، صدیقه (۱۳۹۳). تأثیر گلستان سعدی بر ترجمهٔ سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی. *متن‌شناسی ادب فارسی*. سال ششم. شمارهٔ ۳: ۲۱-۳۶.

فارسیان، محمدرضا؛ قاسمی، فاطمه (۱۳۹۹). پذیرش ادبی کریستین بوبن در ایران. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*. سال هشتم. شمارهٔ ۲: ۴۷-۶۷.

کریمی‌حکاک، احمد (۱۳۷۸). تاریخچهٔ ترجمه در ایران. *مترجم*. ترجمهٔ مجدالدین کیوانی. شمارهٔ ۲۹: ۶۵-۵۲.

کهنمویی‌پور، ژاله؛ قنبری، منیژه (۱۳۹۵). زیباشناسی دریافت گلستان سعدی نزد مترجمان فرانسوی آن. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. شمارهٔ ۲۱: ۹۳-۱۱۶.

ملکشاهی، مرضیه؛ خزاعی‌فرید، علی (۱۳۹۶). رویکردی نو ازطریق ترجمه برای تحلیل تاریخی انتقال گفتمان‌ها و نظریه‌ها. *مطالعات زبان و ترجمه*. دورهٔ پنجاهم. شمارهٔ ۴: ۱-۲۴.

مینوی، مجتبی (۱۳۴۶). *پانزده گفتار*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

ناطق، هما (۱۳۵۳). حاجی موریه و قصهٔ استعمار. *الفبا*. شمارهٔ ۴: ۲۲-۴۹.

Abrams, Meyer H. and Geoffrey G. Harpham (2015). *A glossary of literary terms.* Stamford: Cengage learning.

Amanat, Abbas (2003). *Hajji Baba of Ispahan*, Encyclopædia Iranica XI/6, 2003, pp. 561-568; available online at http://www.iranicaonline.org/articles/hajji-baba-of-ispahan.

Bressler, Charles E. (2011). *Literary criticism: An introduction to theory and practice*. London and New York: Pearson.

Brown, Meg H. (1994). *The Reception of Spanish American Fiction in West Germany*, pp. 1981-91. Tübingen: Niemeyer.

Dobie, Ann B. (2015). Theory into practice: An introduction to literary criticism. Stamford: Cengage learning.

Hatim, Basil and Jeremy Munday (2004). Translation: An Advanced Resource Book. London and New York: Routledge.

Holub, Robert C. (1993). Constance School of Reception Aesthetics [Reception Theory] In *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory:*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

Approaches, Scholars, Terms, edited by Irena Makaryk. Toronto: University of Toronto Press, 1993, pp. 14-18. https://doi.org/10.3138/9781442674417-006.

Jauss, Hans R. (1970). Literary History as a Challenge to Literary Theory. *New Literary History*, Vol. 2, No. 1, A Symposium on Literary History (Autumn, 1970), pp. 7-37. Baltimore, MD: The Johns Hopkins University Press.

Jauss, Hans R. (1982). *Toward an Aesthetic of Reception, translated from German* by T. Bahti, Brighton: Harvester Press.

Mays, Kelly J. (2019). *The Norton Introduction to Literature*. Shorter 13th Edition. P. A15. London and New York: WW Norton & Company.

Morier, James J. (1824). *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. 3 Vols. 1st Ed. London: John Murray.

Munday, Jeremy (2016). *Introducing Translation Studies*, 4th Ed. London and New York: Routledge.

References in Persian

Âryanpour, Yahyâ (1971). *From Sabā to Nimâ*. Vol. 1. 1st Ed. Tehrân: Sherkat-e Sahâmiy-e Ketabhay-e Jibi. [In Persian]

Âzarang, Abd-Al-Hossein (2016). *The History of Translation in Iran*: *from antiquity to the end of Qajar era*. 2nd Ed. Tehrân: Qoqnoos. [In Persian]

Bahâr, Mohammad Taghi (1942) *Stylistics*. Vol. 3. 1st Ed. Tehrân: Ministry of Culture. [In Persian]

Boubâni, Farzâd (2008). James Morier, Hâjji Bâbâ and Colonial Literature. *Journal of Foregn Language Research*. No. 43: 5-27. [In Persian]

Dehqâniân, Javâd; Jamâli, Sediqeh (2014). The influence of Saâdi's Gulistan on the translation of the Adventures of Hâji Bâbâ of Ispahan. *Textual Criticism of Persian Literature*. Vol. 6. No. 3: 21-36. [In Persian]

Emâmi, Karim (1974). On the layman-understood and expert-appreciated translation of Hâjji Bâbâ. *Ketab-e Emrouz*. No. 8: 43-52. [In Persian]

Fârsiân, Mohammad Rezâ; Ghâsemi, Fâtemeh (2020). Reception of Christian Bobin in Iran. *Comparative Literature Research*. Vol. 8. No. 2: 47-67. [In Persian]

Haddâdiân Moghaddam, Esmâeil (2014). Agency in the translation and production of The Adventures of Hâjji Bâbâ of Ispahan into Persian,

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]

translated by MostafâHosseini. *Comparative Literature*. No. 9: 107-140. [In Persian]

Jalâli, Mohammad Amir (2018). The analysis of the reflection of Kalileh and Demneh in the five volumes of Vassaf History from the perspective of the theory of reception. *Literary Text Research*. Vol. 22. No. 77: 143-163. [In Persian]

Jamâlzâdeh, Mohammad Ali (1969). Preface. *The Adventures of Hâjji Bâbâ of Ispahân, written by James J. Morier*, translated by MirzâHabib Esfahâni. 1st Ed. Tehrân: Amir Kabir Publishers. v-xx. [In Persian]

Kahnamouipour, Jâleh; Ghanbari, Manijeh (2016). Reception aesthetics of Saadi's Gulistan through its French translators. *Research in Contemporary World Literature*. No. 21: 93-116. [In Persian]

Karimi-Hakkâk, Ahmad (1999). History of translation in Iran, translated by Majdoddin Keyvani. *Motarjem Journal*. No. 29: 52-65. [In Persian]

Malekshâhi, Marzieh; Khazâifarid, Ali (2018). Proposing a historical approach for the analysis of the transfer of discourses and theories through translation. *Language and Translation Studies*. Vol. 50. No. 4: 1-24. [In Persian]

Minovi, Mojtabâ (1967). *Fifteen Articles*. 2nd Ed. Tehrân: Tehran University Press. [In Persian]

Nâteq, Homâ (1974). Hâjji Morier and the story of colonialism. *Alefbâ*. No. 4: 22-49. [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.13.3]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.5]